

توجهات ویژه اهل بیت علیهم السلام به شیعیان و محبین

قاسم بابائی^۱

چکیده

مقاله پیش رو به تبیین کارکردهای وجود انسان کامل - که مصداق اتم اهل بیت علیهم السلام هستند - پرداخته است. ائمه اطهار علیهم السلام همان طور که در عالم هستی جایگاه بلندی دارند، در مقام واسطه فیض بودن نیز مقام بالایی دارند و به سبب وجود بلند آنهاست که فیض خداوند متعال در بخش تکوین و تشریح به سبب معیت و همراهی با جهان ماسوی الله به بشریت می‌رسد. معیت و همراهی گاهی درباره خداوند متعال به کار می‌رود که به سه قسم معیت قیومی، رحیمی و معیت قمری تقسیم می‌شود و گاهی معیت درباره اهل بیت علیهم السلام - که دارای وجود امکانی، و مجرای فیض الهی هستند- استفاده می‌شود که به سه گونه معیت قیومی ظلّی، معیت رحیمی ظلّی و معیت قهری ظلّی قابل تقسیم است. یکی از توجهات اهل بیت علیهم السلام به شیعیان همراهی در حل مشکلات و یاری رساندن به آنان در موقعیت‌های بحرانی است که به چند نمونه از آن اشاره می‌شود.

کلیدواژه: انسان کامل، معیت قیومی، معیت رحمانی، معیت قیومی ظلّی، واسطه فیض.

۱. طلبه درس خارج و دانشجوی دکتری فلسفه حقوق دانشگاه باقرالعلوم علیهم السلام.

مقدمه

اهل بیت علیهم السلام مصداق بارز انسان کامل هستند که درجه ارزشی و درجه هستی آنها قابل قیاس با کسی نیست. مقام وجودی اهل بیت علیهم السلام نیز از فرشتگان و ملائکه مقرب الهی بالاتر است؛ زیرا بر اساس روایت «لایقاس بهم احد» (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۲۰) - که بیانگر نفی مقایسه است - این نفی شامل تمامی موجودات حتی ملائکه می شود (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۱) بنابراین همچنان که در مسئله نبوت، مقایسه کردن افراد دیگر با پیغمبر غلط است، در امر خلافت و امامت نیز با وجود افرادی در این سطح، سخن از دیگران و برتری آنها بیهوده است (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۸۴۸-۸۴۹)؛ از این رو انسان کامل دارای برترین مرتبه فیض خداست و واسطه فیض خدا و عالی ترین مرتبه انسان کامل، امامت است و عرفا به آن نظر دارند. اهل بیت علیهم السلام همان طور که در آفرینش مقام بالایی دارند، در واسطه فیض بودن نیز دارای مقام بالایی هستند و به سبب وجود بلند آنهاست که فیض خداوند متعال در بخش کونین و تش - به بشریت می رسد؛ زیرا به سبب بساطت خداوند متعال در صقع ربوبی، ناممکن است که بدون هیچ واسطه ای به تدبیر عالم پردازد. (یزدان پناه، ۱۳۸۴، ص ۶۰۴) بنابراین به واسطه معیت و همراهی اهل بیت علیهم السلام با انسان ها و تمامی موجودات، برکات الهی نازل، و بلا یا دفع می شود. معیت و همراهی اهل بیت علیهم السلام، زیر سایه معیت خداوند متعال است و همان طور که خداوند متعال سه گونه معیت دارد، اهل بیت نیز سه گونه معیت دارند و در معیتی برکاتی بر آنها نازل می شود.

سه گونه حضور و معیت خداوند با موجودات

حضور و همراهی خداوند در همه حال با موجودات است. امکان فقری، هسته مشترک همه موجودات در جهان هستی است و همه عالم نسبت به خداوند متعال، وجود رابط هستند که فقر و نیاز وجودی به خداوند در ذات آنها قرار دارد؛ به بیان ملاصدرا، ذات

موجودات عین‌الربط است؛ نه آنکه ذاتی دارد که نیازمند به واجب باشد، بلکه حقیقت هستی آنها نیاز است. این نیاز - هم در ابتدای پیدایش و هم در بقا - همراه با موجودات است؛ چراکه موجودات سواد الوجهه در دنیا و آخرت هستند. لذا حضور و معیت خداوند متعال با موجودات، مخصوصاً انسان، در سه بخش است:

۱. معیت قیومی

معیت قیومی به سبب فقر وجودی موجودات و وابستگی آنها به خداوند متعال در مقام پیدایش و بقاست. این نیاز به خداوند متعال، برگرفته از هستی آنهاست. تبیین دقیق درک همراهی خداوند در مثال زیبای غزالی است که در بیان رابطه میان نور و رنگ است. تردیدی نیست که همه ما رنگ‌ها را می‌بینیم و گمان ما این است که غیر از ر چیز دیگری نیست و می‌گوییم فقط رنگ سبز را دیدیم چیز دیگری ندیدیم و وجود نور همراه آن را انکار می‌کنیم. حال آنکه دیده شدن رنگ به سبب همراهی با نور است؛ چرا که حقیقت نور، ظاهرکننده خود و روشنگر دیگر موجودات است. وقتی هوا تاریک شد و خورشید غروب کرد و تاریکی سایه افکند، در آن هنگام - که رنگ قابل رؤت نیست - حقیقت نور پی می‌ریم و درمی‌ایم که نور حقیقتی جدا از رنگ دارد، ولی به سبب اتحادش با رنگ ادراک نمی‌شود و به سبب شدت وجودش مخفی است. در هستی نیز آنکه در مرحله اول وجود دارد و به سبب آن، علم رنگ وجود می‌گیرد، خداوند متعال است که به سبب نور وجودی او الم نیز ظهور پیدا می‌کند (غزالی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۸۰). بر همین اساس فرمود **﴿وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾** (حدید: ۴)؛ «کجا باشید، او با شماست»؛ چراکه عالم محضر خداست.

خداوند با هر موجودی معیت دارد؛ چه با انسان خوب و چه با انسان بد. این معیت، هم به انسان امید می‌دهد که هرگز ناامید نشود و هم هشدار می‌دهد نسبت به انسانی است که بداند در مشهد و در محضر خداست تا با غفلت زندگی نکند. لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ﴾ (واقعہ، ۸۵)

و ما از شما به او (محتضر) نزدیک‌تریم ولی نمی‌بینید.

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ﴾. (انفال: ۲۴)

بدانید که همانا خدا میان مرد و قلبش حایل است.

انسان وقتی خود را بشناسد و پی به وجود خود ببرد که در حقیقت وجودش در قبال خداوند عددی به حساب نمی‌آید، در این صورت توجهش به خداوند بیشتر می‌شود و تلاش می‌کند که رنگ الهی بگیرد. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

آن وقتی که قلم به دست می‌گیرید، بدانید که در محضر خدا، قلم دست گرفته‌اید. آن وقتی که می‌خواهید تکلم کنید، بدانید که زبان شما، قلب شما، چشم شما، گوش شما در محضر خداست؛ عالم محضر خداست؛ در محضر خدا معصیت خدا نکنید. در محضر خدا با هم دعوا نکنید سرِ امور باطل و فانی. برای خدا کار نکنید و برای خدا به پیش بروید. اگر ملت ما برای خدا و برای رضای پیغمبر اکرم به پیش برود، تمام مقاصدش حاصل خواهد شد. (خمینی، ۱۳۶۸، ص ۴۶۱).

آری، انسانی که با علم حضوری خدا را درک کند، تلاش می‌کند که رنگ و بوی الهی بگیرد؛ چراکه همنشین، تأثیرگذار در همنشین است. به فرمایش علامه حسن‌زاده آملی «الهی نشین از همنشین رنگ می‌گیرد؛ خوشا به حال آنکه با تو همنشین است». این‌گونه شناخت خدا و در محضر او بودن، راهگشایی مهم در کسب فضائل و نشستن در ساحل آرامش است.

۲. معیت رحیمی

یت و همراهی د خداوند با انسان‌ها، مخصوصاً انسان‌های مؤمن و اولیای الهی، معیت رحیمی است. یت رحیمی، توجه خاص الهی به مؤمنان است که به سبب ایمان به خداوند متعال و استقامت در مسیر بندگی، خداوند به آنان پاداشی می‌دهد؛ چنان‌که فرمود: ﴿هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾ (حدید: ۴)؛ «او (خداوند) با شماست؛ هر کجا که باشید». یت رحیمی، همان هدایت ویژه‌ای است که محصول معیت مقید است. (جوادی آملی، ۱۳۹۷ش، ص ۲۸۳) قرآن کریم در نقل جریان موسی و هارون، به همراهی رحیمی خداوند با آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ﴿قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى﴾ (طه: ۴۶)؛ [خداوند به موسی و

هارون] فرمود: نهرا من با شما می‌شنوم و می‌نگرم»

نمونه دیگر همیاری و معیت خداوند متعال با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. خداوند به مردم مکه گوشزد می‌کند که گمان نکنید اگر شما خود را از جهاد و یاری پیامبر کنار بکشید، کار او و اسلام زمین می‌ماند! اگر او را یاری نکنید، خدایی که در سخت‌ترین حالات و به شکل معجزه‌آسایی او را یاری کرد، قادر است باز از او حمایت کند: ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ﴾ (توبه: ۴۰). پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به معیت و همراهی رحیمی خداوند اطمینان داشت. و تنی مشرکان مکه توطئه خطرناکی برای نابود کردن پیامبر چیدند و تصمیم گرفتند شبانه به پیامبر اکرم حمله کنند و او را در بسترش بکشند، که پیامبر به فرمان خدا از آن جریان مطلع شد و آماده بیرون رفتن از مکه و هجرت به مدینه گشت. ایشان نخست برای اینکه کفار قریش به او دست نیابند، به غار ثور - که در جنوب مکه قرار داشت - پناه برد. وقتی همراه پیامبر در داخل غار نگران و محزون بود، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با اطمینانی که از رحمت خداوند داشت. او را دلداری داد و گفت: غم مخور. خدا با ماست: ﴿إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ (توبه: ۴۰).

۳. معیت قهری

همراهی دیگر خداوند، معیت قهری است. قرآن کریم درباره معیت قهری خداوند با فرعون و یثرب می‌با موسی عَلَيْهِ السَّلَام می‌رمايد: ﴿قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ﴾ (شعرا: ۱۵)؛ «چنین نیست، [آنان کاری نمی‌توانند انجام دهند]! شما هر دو با آیات ما [برای هدایتشان] بروید. ما با شما هستیم و [سخنانتان را] می‌شنویم». این آیه بیانگر معیت قهری خداوند است. حضور و همراهی خداوند در معیت قهری، همانند معیت رحیمی و یومی است، ولی حضوری غضبناک. بر همین اساس فرمود: ﴿وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ﴾ (بقره: ۱۹) احاطه خداوند به کافران، احاطه قهری است؛ چراکه نمی‌توانند از قدرت او خارج شوند؛ چنان‌که در دعای افتتاح آمده است:

وَأَيُّقُنْتُ أَنْكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدَّ الْمَعَاقِبِينَ فِي

مَوْضِعِ النِّكَالِ وَالنَّقْمَةِ. (مفاتیح الجنان)

و یقین دارم که حضرتت در جای عفو و رحمتْ مهربان‌ترین مهربانان هستی و آنجا که جای عقاب و مجازات باشد، شدیدترین عقاب کنندگانی.

خداوند در این معیت برای تبهکاران نیز به صورت ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ (فجر: ۱۴) ظهور می‌کند؛ چراکه ﴿وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ﴾ (نساء: ۱۰۸)؛ «خدا با کافران است هنگامی که در محفل محرمانه شبانه گفتاری دارند که خوشایند خداوند نیست». (جوادی آملی، ۱۳۹۷ش، ص ۲۸۳)

سه گونه معیت اهل بیت علیهم‌السلام با انسان‌ها

همان‌گونه که خداوند متعال سه گونه معیت دارد، اهل بیت نیز با توجه به مقام رفیعشان، سه گونه معیت دارند؛ اما معیت آنها مستقل نیست و ظلّی، و در طول معیت خداوند است. در این بخش به دو گونه از معیت اهل بیت علیهم‌السلام (معیت قیومی ظلّی و معیت رحیمی ظلّی) می‌پردازیم:

۱. معیت قیومی ظلّی اهل بیت علیهم‌السلام

معیت قیومی ظلّی اهل بیت علیهم‌السلام بیانگر گونه‌ای از معیت است که اختصاص به موجود خاص ندارد و همه موجودات از آن بهره‌مندند. همچنین بیانگر واسطه فیض بودن در امور تکوینی است که مربوط به رحمت رحمانی عام و گسترده الهی است که همه مخلوقات خدا را در بر می‌گیرد و به گروهی خاص اختصاص ندارد؛ مانند وساطت در روزی رساندن، نزول باران، برقراری نظام آفرینش، آرامش زمین و

جملاتی نظیر «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتِمُ وَبِكُمْ يَنْزِلُ الْغَيْثَ وَبِكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِكُمْ يُنْفَسُ الِهُمُّ وَيَكْشَفُ الضَّرُّ» (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۱۵)؛ «خداوند [عالم وجود را] به شما آغاز کرد و به شما نیز ختم می‌کند و به واسطه شما، باران را فرو می‌ریزد و به واسطه شماست که آسمان را از اینکه بر زمین افتد [جز به اذن او] نگه می‌دارد و به واسطه شما، اندوه را می‌زداید و سختی را برطرف می‌کند»

در حقیقت، اشاره به این معنا دارد. این به واسطه حضور و وجود پیامبر عظیم‌الشان و

اهل بیت علیهم السلام و همراهی آنان با جهان هستی ا که فیض به جهان می‌رسد. در عصر حاضر نیز حضور امام عصر علیه السلام، واسطه رسیدن فیض است. از این رو قرآن کریم یکی از ویژگی‌های پیامبر عظیم‌الشان را رحمت برای عالمیان عنوان می‌کند: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾. (انبیاء: ۱۰۷)^۱ در روایت ا که هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر از جبرئیل پرسید: «هل اصابك من هذه الرحمة شیء؟»؛ «آیا چیزی از این رحمت عائد تو شد؟» جبرئیل در پاسخ عرض کرد: «نعم، انی كنت اخشى عاقبة الامر، فامنت بك، لما اثنى الله علی بقوله عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ»؛ «من از پایان کار خویش بیمناک بودم؛ اما به خاطر آیه‌ای که در قرآن بر تو نازل شد، از وضع خود مطمئن شدم. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۵۲۷).

گستره معیت قیومی ظلی انسان‌های کامل، شامل کفار هم می‌شود و آنها از این رحمت بهره می‌برند؛ چراکه تا حضرت در بین کفار هست، عذاب استیصال دامن‌گیر این مردم می‌شود (جوادی آملی، ج ۲۴، ص ۴۷۸)؛ چنان‌که خداوند فرمود: ﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ﴾ (انفال: ۲۳)؛ [ای پیامبر،] تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد. همان‌گونه که حضور پیامبر صلی الله علیه و آله برای عالمیان رحمت است، حضور و وجود ائمه اطهار - که مصداق انسان کامل هستند - نیز برای جهانیان رحمت است. معیت و همراهی ا بیت - که به سبب وجود آنها، همه برکات به اهل عالم می‌رسد - معیت قیومی ظلی است که باعث ایجاد موجودات و رساندن رزق به آنها می‌شود؛ چنان‌که در زیارت امام حسین علیه السلام آمده است:

بِكُمْ يَبِينُ اللَّهُ الْكُذْبَ وَ بِكُمْ يُبَاعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ وَ بِكُمْ يَفْتَحُ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ بِكُمْ يُثَبِّتُ وَ بِكُمْ يَفُكُ الدُّلَّ مِنْ رِقَابِنَا وَ بِكُمْ يُدْرِكُ اللَّهُ تِرَةَ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ تُطَلَّبُ وَ بِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا وَ بِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ أَثْمَارَهَا وَ بِكُمْ تُنَزِّلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ بِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكُرْبَ وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ اللَّهُ الْغَيْثَ (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۹۶)

۱. «ال» در کلمه ﴿العالمین﴾ نشانگر عمومیت داشتن رحمت خداوند است.

خداوند به واسطه شما، دروغ را آشکار می‌کند و دوران سخت را دور می‌سازد و به واسطه شما، کارها را می‌گشاید و به پایان می‌برد و به واسطه شما، هر آنچه را بخواهد، محو یا ثابت می‌کند و به واسطه شما، ذلت را از گردن ما باز می‌کند و به واسطه شما، از خون ریخته شده هر مرد و زن باایمان، خونخواهی می‌کند و انتقام می‌کشد و به واسطه شماست که زمین، درختانش را می‌رویاند و به واسطه شماست که درختان میوه می‌دهند. به واسطه شماست که آسمان، قطره‌های برکتش را فرومی‌ریزد. با شما، خدا اندوه را می‌زداید و با شما خدا باران را می‌باراند.

ت قیومی ظلّی ائمه اطهار، همانند معیت پیامبر اکرم ﷺ شامل همه موجودات، حتی کفار، می‌شود.

۲. معیت رحیمی ظلّی

بیت دیگر اهل بیت ﷺ، معیت رحیمی ظلّی است که عنایت مخصوص آنها به مؤمنان می‌رسد. این معیت و همراهی، هم در دین شامل شیعیان می‌شود و هم در آخرت. پیروان و دوستداران اهل بیت ﷺ، مورد عنایت و توجه و تقدیر خاندان پیامبرند. به فرمایش آیت‌الله جوادی آملی، این معیت رحیمی در امور تشریحی است و همانند رحمت رحیمی خاص خدا، به مؤمنان و معتقدان آنها اختصاص دارد. کسانی که در مسائل عقیدتی، فکری و عملی احساس خطر کنند، می‌توانند خود را در این پناهگاه مستحکم وارد گردانند و در پناه آن بیارامند. (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۸۷) این گونه معیت اهل بیت ﷺ برای شیعیان است و در موقعیت‌های مختلف به کمک آنان می‌آیند؛ زیرا پیروان اهل بیت ﷺ، در لوای پرچم اهل بیت اند و از آنها جدایی ندارند؛ چنان‌که امام سجاد ﷺ فرمود:

ان شیعتنا لمکتوبون معروفون باسمائهم و اسماء آبائهم، اخذالله الميثاق علينا و عليهم،
یردون مواردنا و یدخلون مداخلنا». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۳۱۳)

[ما هر کس را ببینیم، می‌شناسیم که مؤمن حقیقی است یا منافق]. شیعیان ما ثبت شده‌اند و نام‌هایشان و نام‌های پدرانشان معروف است. خدا از ما و از آنان پیمان گرفته است. هر جا که ما وارد شویم، آنان نیز وارد می‌شوند.

عنايات ویژه اهل بیت علیهم السلام به مؤمنان، به سبب مقام بلندی است که نزد خداوند متعال دارند؛ همچنان که امام باقر علیه السلام در حدیث قرب نوافل می‌رماید:

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به معراج رفت، گفت: پروردگارا، حال مؤمن نزد تو چگونه است؟ خدا فرمود: ای محمد، هر که به یکی از دوستانم اهانت کند، آشکارا به جنگ من آمده است و من به یاری دوستانم از هر چیز شتابان‌ترم. من در هیچ کاری به اندازه‌ای که درباره وفات مؤمن تردید دارم، تردید ندارم؛ زیرا او از مرگ بدش می‌آید و من از ناراحتی او بدم می‌آید. و به‌راستی برخی از بندگان مؤمن هستند که جز توانگری، آنان را اصلاح نکند [و حالشان را نیکو نسازد] و اگر آنها را به حال دیگری در آورم، نابود و هلاک می‌شوند و برخی از بندگان مؤمن هستند که جز نداداری و فقر، آنان را اصلاح نکند و اگر آنها را به حال دیگری برگردانم، هر آینه هلاک می‌شوند. و هیچ‌یک از بندگانم به من تقرب نجوید با عملی که نزد من محبوب‌تر باشد از آنچه بر او واجب کرده‌ام. و به درستی که به وسیله نافله به من تقرب می‌جوید تا آنجا که من دوستش می‌دارم و چون دوستش دارم، آنگاه گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود و چشمش می‌شوم که با آن می‌بیند و زبانش می‌گردد که با آن سخن می‌گوید و دستش می‌شوم که به آن می‌گیرد. اگر بخواندم، اجابتش می‌کنم و اگر خواهشی از من کند، به او می‌دهم. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۲)

اهل بیت علیهم السلام، بر اساس حدیث قرب نوافل، مجرای فیض خدا هستند و خدای سبحان در مقام فعل - و نه در مقام ذات و نه در مقام صفات ذات - چشم و گوش و دست و زبان آنان خواهد بود و این آثار، همگی حقیقی است و نمود آن در قلمرو خارج است. این نیز به نوبه خود، بخشی از مقام خلیفه‌اللہی را تبیین می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۲) ۱. ل بیت علیهم السلام بر اساس این روایت عبد سالک و محبوب خدا هستند و خدا محب آنهاست. همه مجاری ادراکی و تحریکی آنها به عهده خداست. اگر او می‌فهمد، با نور علمی خدا می‌فهمد و اگر کاری انجام می‌دهد، با قدرت خدا انجام می‌دهد. اگر می‌شنود، با سمع خدا می‌شنود و اگر

می‌بیند، با بصیرت الهی می‌بیند و اگر سخن می‌گوید، با زبان الهی سخن می‌گوید. (جوادی، ۱۳۹۲، ص ۸۶) معیت رحیمی ظلّی اهل بیت علیهم‌السلام به گونه‌های مختلفی ظهور می‌کند. در آن بخش به دو گونه مساعدت‌های اهل بیت علیهم‌السلام (مساعدت در حل مشکلات مؤمنان و مساعدت در پیشرفت عملی و معنوی آنان) اشاره می‌گردد.

الف) مساعدت در حل مشکلات

یکی از همراهی‌های اهل بیت علیهم‌السلام با شیعیان، همراهی در حل مشکلات و یاری رساندن به آنان در وقیعت‌های بحرانی است؛ به گونه‌ای که ائمه اطهار علیهم‌السلام درد و غم مؤمن را درد و غم خود می‌بینند و به او در مشکلات یاری می‌رسانند؛ چنان‌که امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید:

مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا يَمْرُضُ إِلَّا مَرَضْنَا لِرَضِهِ وَلَا اِعْتَمَّ إِلَّا اِعْتَمَمْنَا لِعَمِّهِ وَلَا يَفْرَحُ إِلَّا فَرَحْنَا لِفَرَحِهِ وَلَا يَغِيبُ عَنَّا أَحَدٌ مِنْ شِيعَتِنَا أَيْنَ كَانَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ أَوْ غَرْبِهَا. (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش، ص ۳)

هیچ یک از شیعیان ما نیست که بیمار شود، مگر اینکه ما نیز با بیماری او بیمار می‌شویم و غمگین نمی‌شود، مگر اینکه با غم او اندوهگین می‌شویم و شاد نمی‌شود، مگر اینکه با شادی او شاد می‌شویم و حال هیچ کدام از شیعیان ما، در شرق یا غرب جهان، از چشم ما پنهان نیست.

ملاحظه حال شیعیان و توجه به حال آنان، نعمتی است که خداوند به مؤمنان داده است و به سبب همین نعمت، بلا یا از یعیان دفع می‌شود؛ چنان‌که امام مهدی علیه‌السلام در توقیع شریف فرمود: «همانا ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم؛ چه در غیر این صورت، سختی‌ها و گرفتاری‌ها بر شما فرو می‌آید و دشمنان، شما را ریشه می‌کنند و از بین می‌رند». (راوندی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۹۰۳)

داستان محمود آقا سیدرضی (پدر آقای مستنبط)

زمانی در نجف بیماری وبا - که بسیار خطرناک و مرگ‌آور بود - شیوع پیدا کرده بود.

محمود آقا سیدرضی، پدر آقای مستنبط - از علمای بزرگ نجف - هم به بیماری مبتلا گشته و در حال احتضار بود. پس از مدتی از حال رفت. اطرافیان احساس کردند که ایشان از دنیا رفته است، چون نمی‌خواستند جنازه بر زمین بماند و بیماری سرایت کند، بومی تهیه کردند و ایشان را در تابوت گذاشتند و آماده رفتن شدند. ناگهان دیدند آقا سیدرضی، در تابوت بلند شد و نشست و گفت: «من گرسنه‌ام، برایم غذا بیاورید، من خوب شدم». همه تعجب کردند. پرسیدند: «چطور ما شفا یافتی؟! آقا سیدرضا گفت: «وقتی در حال احتضار بودم، شیاطین آمدند و با من مشغول مباحثه شدند. گفتند: که تو باید از دینت دست برداری؛ زیرا دین تو باطل است. من با آنان به مباحثه پرداختم و از دینم دفاع کردم. این مباحثه مدتی به طول انجامید. ناگهان مشاهده کردم که شیاطین همگی معدوم شدند و در همین لحظه آقا امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف آوردند و فرمودند: آقا سیدرضی، خداوند تبارک و تعالی از مباحثه تو با شیاطین خوشش آمد و ۳۳ سال بر عمر تو افزود».

هنگامی که متفقیان در تبریز ایشان را با تعدادی از علما برای دارزدن به چوبه دار بستند، آقا سیدرضی به مأمور گفت: «این کیسه را از جیب من در بیاور و چپق را چاق کن. می‌خواهم چپق بکشم». مأمور تعجب کرده، می‌گوید: «تو عجب سیدی هستی! می‌خواهند تو را بکشند. به فکر چپق هستی!» سید رضی می‌گوید: «من کشته نمی‌شوم. تو چپق را چاق کن». لحظاتی بعد دستور می‌دهند که آنان را رها کنید. (حجت‌الاسلام آقا سیدجواد گلپایگانی از قول ابوالزوجه‌شان، آقا مصطفی)

ب) مساعدت در پیشرفت علمی و معنوی

بخش دیگری از معیت و همراهی خاص اهل بیت علیهم السلام، در کمک رساندن به پیشرفت مؤمنان است که برای مؤمنین با درخواست از آن ارواح مقدسه برکات و رحمت الهی نازل می‌گردد. آنان نزد خداوند مقربند و خداوند به واسطه آنان شیعیان را تحت رحمتش قرار می‌دهد؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌رمايد: «نشفع لشیعتنا فلا یردنا ربنا»؛ «ما برای شیعیان خود شفاعت می‌کنیم، خداوند هم شفاعت ما را رد نمی‌کند». البته ارتباط و کسب فیض و معیت

با اهل بیت منوط به سنجیت است؛ یعنی شیعیان باید خود را در مجرای فیض قرار دهند تا دریای رحمت شامل حالشان شود. امام صادق علیه السلام فرمود:

روزی من و پدرم از خانه خارج شدیم. آنجا پدرم با عده‌ای از اصحاب - ما بین قبر و منبر - روبه‌رو شد. نزدیک آنها شد و بر آنها سلام کرد. سپس فرمود: «به خدا قسم - من بوی شما و نفس شما را دوست دارم. ما را بر این محبت به وسیله پرهیزگاری و سعی و تلاش خود یار کنید و بداید جز به پرهیزگاری و تلاش و کوشش، کسی به ولایت و دوستی ما نرسد. هرگاه یکی از شماها اقتدای به بنده‌ای از بندگان خدا کرد، باید مثل او عمل کند. شما شیعیان خدایید، شما سربازان خدایید، شما یاوران خدایید، و ما پیشی گیرندگان اولین و آخرین هستید و در دنیا اولین پیشی گیرندگان به ولایت مایید و در آخرت پیشی گیرندگان به سوی بهشت هستید. ما به ضمانت خدا و رسولش بهشت را برا شما ضمانت کرده‌ایم». (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۷۱)

بنابراین کسب فیض، منوط به همراهی با آنان است. اهل بیت علیهم السلام همانند خورشید تابناک هستند که برای کسب فیض باید با آنان همراه شد.

داستان علامه امینی

اقای مستنبط نقل می‌کند که علامه امینی می‌گفت:

حاجتی داشتم. متوسل به علی علیه السلام شدم؛ ولی یک ماه طول کشید و حاجتم برآورده نشد. روزی بالای سر حضرت مشغول نماز بودم. عربی را دیدم که با تندی و جسارت خاص کنار ضریح آمد، پنجره را گرفت و مشغول صحبت شد و حاجاتش را یکی پس از دیگری عرضه داشت. مثل اینکه بچه‌ام مریض است، پول ندارم. من با نگاه خود او را تعقیب می‌کردم. ناگهان دیدم حاجتش را گرفت، از حضرت تشکر کرد و از حرم بیرون رفت. خیلی عصبانی شدم. از خود بی خود شده، بلند شدم و جلو آمدم و رو به حضرت گفتم: «من یک ماه است برای گرفتن حاجتم به اینجا

رفت و آمد می‌کنم و در اینجا معطم، حاجتم را نگرفتم؛ ولی حاجت این مرد عرب را با آن زبان تند و بی ادبش بر آورده کردی. می‌روم و دیگر به حرم نمی‌آیم». از حرم بیرون آمده، به منزل رفتم، بعد از ظهر خوابیدم و در عالم خواب آقا امیرالمؤمنین علیه السلام را دیدم. حضرت فرمود: «آقا شیخ عبدالحسین چه خبر است؟» گفتم: «آقا حاجتی دارم و یک ماه است می‌آیم و می‌روم و نتیجه نمی‌گیرم». فرمودند: «شما امروز آمدید و با عصبانیت هم آمدید. بفرمایید این هم حاجت».

سپس کشف کردم که در این مدت که به حرم می‌رفتم و متوسل می‌شدم، انقطاع کامل از مخلوق پیدا نکرده بودم و شاید هنوز به زید و عمرو ایدوار بودم. اما وقتی به طور کلی از مخلوق منقطع شدم و حاجتم را از حضرت خواستم، برآورده شد. معلوم شد که برای گرفتن حاجت باید به طور کامل انقطاع پیدا کرد».

ظاهراً حاجت مرحوم علامه امینی در رابطه با نوشتن کتابی درباره حضرت امیر علیه السلام بوده است. (ناقل حجت الاسلام و المسلمین سید جواد گلپایگانی)

این ترتیب همراهی و مساعدت‌ها و کمک‌های اهل بیت علیهم السلام به همه موجودات خصوصاً انسان‌ها - با دو بخش معیت رحیمی و معیت قیومی - می‌رسد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

۱. اهل بیت علیهم السلام مصداق بارز انسان کامل هستند که درجه ارزشی و درجه هستی آنها قابل قیاس با کسی نیست. مقام وجودی اهل بیت علیهم السلام از فرشتگان و ملائکه مقرب الهی نیز بالاتر است. از این رو انسان کامل، دارای برترین مرتبه فیض خداست.
۲. حضور و همراهی خداوند در همه حال با موجودات است. امکان فقری هسته مشترک همه موجودات در جهان هستی است. حضور و معیت خداوند متعال با موجودات، مخصوصاً انسان، در سه بخش است: معیت قیومی، معیت رحیمی و معیت قهری.
۳. معیت قیومی به سبب فقر وجودی موجودات و وابستگی آنها به خداوند متعال در مقام پیدایش و بقاست. این نیاز به خداوند متعال، برگرفته از هستی آنهاست.

۴. معیت و همراهی دیگر خداوند با انسان‌ها، مخصوصاً انسان‌های مؤمن و اولیای الهی، معیت رحیمی است. معیت رحیمی، توجه خاص به مؤمنان است که به سبب ایمان به خداوند متعال و استقامت در مسیر بندگی، خداوند همراهی با آنان در همه حال را به آنها پاداش می‌دهد.

۵. همراهی دیگر خداوند، معیت قهری است. حضور و همراهی خداوند در معیت قهری، همانند معیت رحیمی و قیومی است؛ ولی حضوری غضبناک است.

۶. همان‌گونه که خداوند متعال به گونه معیت دارد، اهل بیت نیز با توجه به مقام رفیعشان، گونه معیت دارند؛ اما معیت آنها مستقل نیست و ظلّی و در طول معیت خداوند است.

۷. معیت قیومی ظلّی اهل بیت علیهم‌السلام بیانگر گونه‌ای از معیت است که اختصاص به موجود خاص ندارد و همه موجودات از آن بهره‌مندند. همچنین بیانگر واسطه فیض بودن در امور تکوینی است که مربوط به رحمت رحمانی عام و گسترده الهی است که همه مخلوقات خدا را در بر می‌گیرد و به گروهی خاص اختصاص ندارد.

۸. معیت دیگر اهل بیت علیهم‌السلام، معیت رحیمی ظلّی است که عنایت مخصوص آنها به مؤمنان می‌رسد و مؤمنان مورد عنایت و توجه و تقدیر خاندان پیامبرند.

۹. معیت رحیمی ظلّی اهل بیت به گونه‌های مختلفی ظهور می‌کند که می‌توان به مساعدت در حل مشکلات مؤمنان و مساعدت در پیشرفت عملی و معنوی آنان اشاره کرد.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ق). **علل الشرايع**، قم، مكتبة الداوری.
۲. _____ (۱۳۶۲ش). **صفات الشيعة**، تهران، چاپ اول، انتشارات منیر.
۳. _____ (۱۳۶۳). **من لا يحضره الفقيه**، قم، جامعه مدرسین.
۴. الغزالی، ابوحامد (۱۴۱۶ق). **رسائل الامام الغزالی**، بیروت، دارالفکر.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷ش). **تفسیر موضوعی قرآن کریم**، جلد ۱۶، قم، اسراء، چاپ هفتم.
۶. _____ (۱۳۸۸). **ادب فنای مقربان**، ۲، چاپ پنجم، قم، اسراء.
۷. _____ (۱۳۸۲ش). **حیات حقیقی انسان در قرآن**، قم، اسراء.
۸. _____ (۱۳۸۴). **بنیان مرصوص امام خمینی علیه السلام در بیان و بنان**، اسراء، قم، اسراء.
۹. _____ (۱۳۹۲). **ولایت در قرآن**، قم، اسراء.
۱۰. خمینی، روح الله (۱۳۶۸ش)، **صحیفه امام**، جلد دهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۱. قطب راوندی، (۱۴۰۳ق). **الخرائج و الجرائح**، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول.
۱۲. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۷۹). **مشکاة الانوار فی غرر الاخبار**، قم، دار التقلین.
۱۳. یزدان پناه (۱۳۸۴). **مبانی و اصول عرفان نظری**، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار**، جلد ۲۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

